

موانع و منافع تفکر سیستمی^۱

حامد حسن زاده نائینی^۲

مدیرعامل شرکت فناوری اطلاعات کارنو یزد

چکیده

تفکر سیستمی، نوعی نگرش خردمندانه به جهان هستی و پدیده‌های موجود در آن است. این شیوه تفکر، روش‌شناسی متفاوتی را برای درک سیستم‌های اجتماعی مانند سازمان و دیگر سیستم‌ها در محیط آکنده از آشفتگی و پیچیدگی هزاره سوم ارائه می‌نماید. تفکر سیستمی، علاوه بر پرداختن به اجزای یک سیستم و محیط پیرامونی آن، به چگونگی تعامل بین اجزاء و برهم‌کنش آنها نیز می‌پردازد. تفکر سیستمی، تفکری کل‌نگر است؛ در حالی که تمرکز بر روی وقایع، به ویژه وقایع ناگهانی از یک سو، و نیز تمرکز بر روی اجزاء و جزئی‌نگری از سوی دیگر، امکان درک الگوهای حاکم بر سیستم‌ها را دشوار می‌سازد. این موضوع موجب گردیده تا انسان امروزی، به دلیل فقدان تفکر سیستمی و تمرکز بر روی رخداد‌های روزمره، الگوی تغییرات دراز مدتی که در پشت آنها نهفته است را به خوبی درک ننماید. بنابراین، منفی‌نگری در وی تشدید یافته و چنین تصور می‌کند که عوامل بیرونی سبب بروز چنین مشکلاتی در درون سیستم هستند، در حالی که تمامی علت‌ها در درون سیستم نهفته‌اند. آفت دیگر تفکر غیر سیستمی، تفکر دوگانه است که انسان در آن با نوعی تحلیل ساده‌انگارانه به نگرش موسوم به سیاه و سفید یا صفر و یک دچار می‌شود. تفکر دوگانه ذهن آدمی را به مسیرهای نادرستی می‌کشاند که در اثر توجه به علائم و نه علل و نیز توجه به همبستگی ظاهری مغیرها بوجود می‌آید. تفکر سیستمی، به انسان‌ها از جمله مدیران این نگرش را می‌دهد که سازمان را به عنوان یک سیستم کلان مورد توجه قرار دهند که مشتمل بر خرد-سیستم‌های فرعی به هم مرتبط است. این تفکر، ایده برخی مدیران ناآگاه سازمان را که حوزه کاری خود را بخشی مجزی، ایستا و فاقد ارتباط با سازمان می‌پندارند، رد و آنها را بر آن می‌دارد تا سازمان را به عنوان یک سیستم اجتماعی تحلیل و به قواعد حاکم بر آن پایبند شوند.

واژگان کلیدی: تفکر سیستمی، رویکرد سیستمی، سیستم، سازمان، مدیریت.